

نکاتی چند در باب تصحیح بلبلی نامه علی گیلانی پومنی^۱

مهدی صدری

این نوشتار، حاوی نکاتی چند در باب نام منظومه بلبلی نامه علی گیلانی پومنی، تاریخ سرودن آن و نکته‌ای در مورد رسم‌الخط نسخه خطی این اثر است.

نام منظومه

من منظومه را مرور کردم و نامی از بلبلی نامه در آن نیافتم. سراینده در آغاز منظومه خویش، در بیت‌های ۳۰۲ - ۳۰۴ به صراحت و روشنی به توصیف موضوع آن - که مناظره گل و بلبلی و مل است - می‌پردازد و آن ابیات چنین است:

گل بر در باغ خود علم زد
 گشتند ز عشق گل‌عذران
 مل رفت و پیاله را رقم زد
 آغشته به خون دل هزاران
 غلغل به جهان ز بلبلی افتاد
 گل جامه درید و دل ز دست داد

بدین اعتبار باید نام «مناظره گل و بلبلی و مل» یا «مناظره بلبلی و گل و مل» بر آن نهاد. کهن‌ترین مناظره در این باب، «مناظره الورد و بنت الکریم» تألیف ابی‌سعد ترمذی به سال ۵۸۵ هـ ق است. این مناظره به نظم و نثر است. با آنکه نامی از «بلبلی» در عنوان رساله مذکور نیامده و مؤلف رساله صرفاً مناظره را به گل و شراب (بنت الکریم = دختر رز = شراب) محدود کرده، در متن مناظره، عنصر «بلبلی» هم به روشنی دیده می‌شود. ظاهراً چنین می‌نماید که نام «بلبلی» در عنوان رساله از قلم کاتب افتاده است. آقای حسن عاطفی رساله مذکور را بر پایه نسخه نزدیک به زمان مؤلف، در نشریه انجمن ادبی

۱. تصحیح دکتر نصرالله پورجوادی، ضمیمه شماره ۱۷ نامه فرهنگستان، شماره ۲۴، آذر ۱۳۸۳.

صباى كاشان به نام «نبیذ كههن در ساغر سخن» به سال ۱۳۴۷ ش. منتشر نموده است. موضوعات مناظره در این رساله چنین است:

نامه نوشتن گل به نزدیک مل؛ نامه بردن بلبل به خدمت مل؛ جواب نامه مل نزدیک گل؛ بازگشتن بلبل و آوردن نامه به نزدیک گل؛ مناظره اول در آیات و اخبار و امثال؛ مذمت مل؛ جواب مل؛ مذمل مل؛ در مذمت گل؛ مناظره سوم در تعبیر گل؛ در خدمت مل؛ جواب در تعبیر مل؛ در مذمت گل؛ مناظره چهارم در تخلص؛ جواب در تخلص.

عناصر «بلبل»، «گل» و «مل» در رساله ابی سعد ترمذی و منظومه علی گیلانی پومنی قابل توجه و تأمل است. در این باب نیز گفتنی است که سراینده در بیت ۱۰۸۷، منظومه خویش را به نام «کتاب منظوم» موسوم ساخته است.

ماده تاریخ سرودن منظومه

مصحح محترم در مقدمه، به روشنی معلوم نیست که تاریخ سرودن منظومه به سال ۹۵۷ از کجا آمده و آیا در نسخه خطی، چنین تاریخی ضبط شده یا بر پایه حدس و گمان از انجامه منظومه است؟ سراینده در بیت ۱۰۸۷، ماده تاریخ خود را چنین بیان کرده است:

شد «جمله» از این «صحیفه مرقوم» مرقوم چو شد «کتاب منظوم»

سراینده در بیت مزبور، ماده تاریخ خود را با استفاده از تعمیمه‌ای با صنعت اخراج سروده. عنصر تاریخ، «کتاب منظوم» است که به حساب جمل برابر با عدد ۱۴۵۶ می‌شود و تعمیمه آن در تعبیر «شد»، «جمله» «صحیفه مرقوم» مستتر است، تعبیر «شد» به معنای کم کردن و منها کردن مجموع عددی واژه‌ای یا عبارتی به حساب جمل از اجزا و عناصر عبارت تاریخ است که سراینده بدان تصریح نموده. بنا بر مفهوم آن، در اینجا یک بار باید معادل عددی واژه «جمله» را از مجموع عددی عبارت «صحیفه مرقوم» به حساب جمل کم کرد و بنابر مفهوم مکرر «شد» در مصراع دوم، نتیجه حاصل از مجموع عددی «کتاب منظوم» کم نمود تا سال ۹۵۸ ه. ق. حاصل آید. نیز گفتنی است که اگر معادل عددی واژه «جمله» را به تنهایی به حساب جمل از مجموع عددی واژه «منظوم» کم کنیم، همین سال ۹۵۸ ه. ق. حاصل خواهد شد، بدون اینکه عبارت «صحیفه مرقوم» و «کتاب» را در استخراج تاریخ دخیل کنیم. پس با این محاسبات دقیقاً روشن می‌گردد که سال سرودن منظومه، ۹۵۸ ه. ق است نه سال ۹۵۷.

حرف «ی» که نماینده کسره حرف ما قبل است - در آخر مقدمه مصحح اشاره به ویراستاری صفحات ۱۰ و ۱۱ و ۲۹ شده که در این باب در صفحه ۲۹ در پاورقی اشاره به ابیات ۵۸۲ و ۷۶۴ و ۷۹۳ کرده با عنایت به اینکه بیت ۴۵۱ چنانکه اشاره نموده‌اند صرف «ی» دنبال واژه مربوط به جای کسره است. در

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: تعبیر «شدن...» در کتاب حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی، مهدی صدی، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸ ش.

بیت ۴۵۱ در متن «کاری تو» که به صورت «کارِ تو» آورده‌اند و نیز در بیت ۵۸۲ «کشوری عدم» و در بیت ۷۶۴ «خنجری ستم» به صورت «خنجرِ ستم» و در بیت ۷۹۳، «کاری تو» به صورت «کارِ تو» به اصلاح آورده‌اند که می‌طلبند تا اندازه‌ای گسترده‌تر بدان پردازیم.

حرف «ی» در بعضی از واژه‌های فارسی به ویژه در نام‌ها به صورتی آمده که ما می‌توانیم در رسم الخط متون گذشته در نسخه‌های خطی به نمونه‌هایی از آن بر خود کنیم که حرف مزبور در آن واژه‌ها نوشته شده ولی در اصل ملفوظ نیست و فقط بیان‌کننده کسره حرف ماقبل واژه است و معمولاً این حرف بعد از حرف اول واژه قرار می‌گیرد.

در دستور زبان فارسی قدیم این موضوع از سوی نویسندگان و هم از سوی خوانندگان رعایت می‌شده است و نمونه‌های بسیاری از این دست‌واژه‌ها هست که باید به سراغ گویش‌ها هر آبادی و شهری رفت و آن دستور زبان کهن گذشته را زنده کرد و اشتباهات و خطاهایی که حداقل در شش هفت سده اخیر در باب وجه صحیح تلفظ واژه‌ها و قرار و مدارهایی که برای شکل نوشتن واژه‌ها و همچنین بر پایه همین قرار و مدارها، شکل خواندن آن‌ها بوده به وجه صحیح عمل کنیم.

حالت دوگانگی که در بعضی از این واژه‌ها وجود دارد و ما آن‌ها را هم با حرف «ی» می‌خوانیم و می‌نویسیم و هم بدون حرف «ی»، می‌نویسیم و می‌خوانیم شواهد زیادی از آن در متون نظم و نثر پارسی وجود دارد. این شواهد بسیار حائز اهمیت است و قابل اعتنا مطلبی است که نگارنده در مقاله‌ای^۱ بدان پرداخته.

در کتاب مهمان‌نامه بخارا،^۲ مصحح آن در معرفی و ویژگی‌های نسخه خطی مورد استفاده خود، در صفحه ۱۵ شواهدی از حرف «ی» را به جای کسره آورده بدون ذکر اینکه یک واقعیت دستور زبانی در نوشتن بوده است بدین شرح: «آوردن یاء مجهول به جای کسره اضافه در انتهای مضاف نظیر: شافعی شمشاد = شاخ شمشاد ص ۱۹۵ - حیوانی سبعی = چون سبعی ص ۲۶۹ - علم سبزی ص ۳۴۶ = شوری گرمی = شرر گرمی ص ۳۲۵ - مظهری بسیاری = مظهر بسیاری ص ۶ - مسجدی مصر ص ۱۶۲ - لشکر بی‌شمار انجم ص ۲۳۶ - صندلی آبنوس رنگ = صندل آبنوس رنگ ص ۱۱۱».

ده DEH و دیه DIH به هر دو وجه نوشته و خوانده می‌شود که وجه صحیح خواندن آن همان «ده» DEH است. پس باید «دیه» بنویسیم و «ده» بخوانیم.

مهینه MEHN در تلفظ عام نام یکی از بخش‌های شهرستان تربیت حیدریه است که در متون به صورت میهنه MEHNE می‌بینیم و با تلفظ حرف «ی» آن را می‌خوانیم در صورتی که باید به همان شکل درست در متون یعنی «هیمه» نوشت و به صورت صحیح «همه» خواند.

ابریشم ABRIŠAM که در تلفظ مردم منطقه ابریشم ABRIŠOM بیان می‌شود که وجه درست

۱. نامه پارسی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴۹ - ۱۵۴.

۲. تألیف روزبهان خنجی اصفهانی، به اهتمام منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۵۵ش.

تلفظ آن است. و یا همچنین گسخت GOSEXT و GOSEXTN در گویش مردم منطقه کاشان به معنای: پاره شد؛ پاره شده است؛ پاره شدن؛ که به صورت‌های «گسیخت GOSIXT» و «گسیخته GOSIXTE» و «گسیختن GOSIXTAN» در متون می‌بینیم و با تلفظ حرف «ی» آن‌ها را می‌خوانیم. حال آن‌که وجه درست تلفظ آن، بدون بیان حرف «ی» در واژه است. نیز گرخت GOREXT و گریخته GORIXTE در متون می‌بینیم و می‌خوانیم که باید دو واژه را «گریخت» و «گریخته» بنویسیم و «گرخت» و «گریخته» بخوانیم. و یا دیگر رخت REXT و رختن REXTAN در گویش مردم منطقه کاشان به معنای: اندام؛ سنگینی و رخوت؛ و مورد دوم؛ چیزی را ریختن؛ که به صورت‌های ریختن RIXT و «ریختن RIXTAN» در متون می‌بینیم و با تلفظ «ی» آن‌ها را می‌خوانیم.

سیصد SISAD از این واژه آن‌ا مفهوم و معنای عدد (۳۰۰) به ذهن متبادر می‌شود در صورتی که اگر آن را تجزیه کنیم و به عمق معنایی آن نظر افکنیم درمی‌یابیم که برخلاف آنچه نخست در ذهن می‌آید معنای آن «سی صد» و به عبارتی دیگر ($300 = 100 \times 3$) یعنی عدد سه هزار است نه عدد (۳۰۰). پس حرف «ی» بعد از حروف «س» نماینده و بیان‌کننده کسره حرف مذکور است و باید به صورت صحیح آن را «سه صد» بخوانیم، زیرا بدین وجه است که به معنای واقعی این عدد می‌رسیم. پس وجه دست تلفظ آن به شرحی که آمد سیصد = SESAD و در حقیقت کسره «س» به صورتی تلفظ کرده‌ایم که صورت تلفظ «یا» را پیدا کرده است.